اسیدپاشی نوعروس به خواهر شوهر در خواب!

■ زن جوان که از چهار سال قبل به اتهام اسیدپاشی به خواهرشوهر خود در زندان است،هنوز هم منکر اتهام خود است.

گروه حوادث– الهام نام زنی است که چهار سال عمر خود را در زندان قرچک ورامین می گذراند. اتهام او اسیدپاشی به خواهر شوهرش است. ظاهری مرتب و آراسته دارد و مسئولان بند زنان زندان قرچک ورامین،عقیده دارند او یکی از بهترین مددجوهای زندان است. نامش الهام است و کمتر پیش می آید از عنوان اتهامش با کسی حرفی بزند.اغلب گوشه ای تنها می نشیند و به قول معروف سرش در لاک خودش است. چهره اش برایم آشناست و سیر تا پیاز پرونده اتهامش را می دانم.حتی می دانم که در این چهار سال بعد از وقوع حادثه اتهامش را انکار می کند.و با اینکه حکم او قطعی شده است اما باز هم دست از انکار بر نمی دارد.

ماجرای اسیدپاشی به خواهرشوهر

اواسط سال ۹۵ رسیدگی به پرونده یک اسیدپاشی در دستور کار ماموران پلیس قرار گرفت.در این حادثه دو زن جوان به نام های الهام و فاطمه بر اثر اسیدسوختگی در بیمارستان بستری شده بودند. فاطمه در همان تحقیقات اولیه به ماموران پلیس گفت که الهام عامل اسیدپاشی است.او در تعریف جزئیات ماجرا گفته بود:«روز حادثه در خانه برادرم خواب بودم.عروسمان با اصرار از من خواسته بود به خانه شان بروم و در کنار فرزند بزرگش بمانم تا فرزند کوچکش را برای تزریق واکسن به درمانگاه ببرد.صبح زود بعد از اینکه برادرم به محل کارش رفت،در خواب و بیداری صدای پای الهام را در خانه می شنیدم و گمان می کردم که در حال آماده شدن است.اما یکدفعه یک نفر که صورتش را پوشانده بود بالا سرم آمد و با یک شال اقدام به خفه کردن من کرد.من تقلا کردم و خودم را از دست او نجات دادم.یکدفعه چشمم به چشم هایش افتاد و متوجه شدم او الهام است که صورتش را پوشانده بود.داد و بیداد کردم و او می گفت که ساکت باشم.وقتی صحبت کرد از صدایش مطمئن شدم که الهام است.یکدفعه صورتم سوخت و دیگر نمی توانستم چشمم را باز کنم.به سمت راه پله ها دویدم و از همسایه ها کمک خواستم. چند دقیقه بعد صدای جیغ زدن الهام آمد و ظاهرا او روی پای خودش هم اسید ریخته بود تا با صحنه سازی خودش را بی گناه نشان دهد.» الهام و فاطمه حدود ده روز در بیمارستان بودند تا اینکه با توجه به اوله موجود الهام به عنوان مظنون اصلی اسیدپاشی بازداشت شد.او هرگز اتهام اسیدپاشی را نپذیرفت اما با توجه به شهادت شخص قربانی و شواهد دیگر مبنی بر اینکه قفل در آپارتمان سالم بود و کسی وارد خانه نشده بود؛همچنین بررسی دوربین های مدار بسته که ورود شخص ناشناس به خانه را نشان نمی داد،وی متهم شناخته شد.الهام حتی در دادگاه هم اتهام خود را نپذیرفت اما دادگاه با استناد به مدارک و ادله موجود در پرونده او را محکوم به پرداخت دیه و تحمل حبس کرد. قربانی اسیدپاشی در مورد انگیزه خواهرشوهرش از این جنایت گفته بود:«من و الهام با هم ارتباط خوبی داشتیم.مدتی بود من نامزد کرده بودم و به رویاهایم فکر می کردم.اینکه الهام این بلا را سرم آورد هیچ دلیلی جز حسادت نداشت.او به ارتباط من با خانواده نامزدم و هدیه هایی که برای من می آوردند حسادت می کرد.اما این کارش آینده من را خراب کرد و ارتباطم با نامزدم هم بر هم خورد.»

گفتگو با متهم به اسیدپاشی در زندان

الهام زن جوان و زیبایی است که با اصرار خودش با هم به گفتگو می نشینیم.به صورتش خیره می شوم و جزئیات صورت فاطمه در ذهنم تداعی می شود.فاطمه ای که اسید تنها صورتش را نسوزاند،بلکه روحیه و سرنوشتش را در دستخوش تغییر کرد.

حرفم را با الهام اینطور شروع می کنم:«تو زن خیلی زیبایی هستی!»

نظر لطف شماست.

نه اصلا مبالغه نمی کنم.اما اگر یک روز در آینه نگاه کنی و این همه زیبایی ات مچاله شده باشد با مسبب این حادثه چه می کنی؟

می دانم شما هم مثل همه حرف من را باور نمی کنید و با این حرف می خواهید به بلایی که سر فاطمه آمده اشاره کنید!

در مورد این بلایی که سر فاطمه آمد توضیح بده.

آن روز فاطمه در خانه ما خواب بود و من می خواستم دخترم را برای تزریق واکسن ببرم.داشتم آماده می شدم که یکدفعه صدای جیغ فاطمه را شنیدم.سریع به اتاق رفتم و یک مرد سیاه پوش به من اسید ریخت و از خانه فرار کرد.در این حادثه پاهای من به شدت سوخت.

آن مرد سیاه پوش چطور وارد خانه شما شده بود؟قفل در را شکسته بود؟

نه قفل در سالم بود.نمی دانم چطور وارد شده بود.خانه قدیمی بود و شاید در باز بوده است.

همسایه ها او را دیده بودند؟یا دوربین مدار بسته تصویر او را ضبط کرده بود؟

نه چون همسایه ها چند دقیقه بعد از اینکه آن مرد ناشناس از خانه بیرون رفت،از خانه هایشان بیرون آمده بودند و او را ندیده بودند.

وقتی بی گناهم چرا عذرخواهی کنم؟

بعد از این حادثه فاطمه را دیدی؟

بله در دادسرا و دادگاه او را دیدم.

از او دلجویی کردی؟

وقتی مسبب این حادثه نبودم چرا عذرخواهی کنم؟اگر من این کار را انجام داده بودم،دست و پایش را هم می بوسیدم اما من این کار را انجام ندادم.گاهی با خودم فکر می کنم شاید من دلی را شکسته ام که حالا به خاطر آه کسی چهار سال است در زندانم.اما مطمئنم این حبس تاون هر چه باشد تاوان اسیدپاشی نیست.از روز اول گفتم من این اتهام را قبول ندارم و حالا هم می گویم.

الان دلت می خواهد چه اتفاقی در این پرونده بیفتد؟

دلم می خواهد فاطمه از کسی که من به او مشکوکم شکایت کند.فاطمه خودش هم بارها گفته است با من مثل خواهر بوده است.من یک مادر هستم و نمی توانم چنین بلایی سر کسی بیاورم.کاش به حرف من اعتماد می کرد و برای اطمینان فرد مشکوک را بازجویی می کردند.

یک سخن کوتاه با قربانی اسیدپاشی

در این چهار سال زندگی ات را در زندان چطور سپری کردی؟

در دلتنگی برای بچه هایم.چهار سال است آنها را ندیده ام.به من گفته اند که بچه هایم فکر می کنند من مرده ام.دلم پر می کشد برای یک لحظه در آغوش گرفتن آنها و بوسیدنشان. دلم برای فاطمه هم تنگ شده است. او حاضر نیست با من حرف بزند.من دلم می خواهد او را در آغوش بگیرم و ببوسم.رابطه ما با هم خیلی خوب بود. هر هفته همدیگر را دعوت می کردیم و با هم خرید می رفتیم و درددل می کردیم.

می توانی دیه فاطمه را بپردازی؟

نه من توانایی مالی ندارم.یک پدر پیر دارم که شهرستان زندگی می کند.

حرفت را از اینجا به گوش فاطمه برسان.

فاطمه، من و تو که با هم مشکلی نداشتیم.چرا به من شک کردی؟من به یکی از آشنایان تو شک دارم.برو در موردش تحقیق کن.

سرنوشت تلخ دختر جوانی که در گیر بلای خانمان‌سوز شد

گروه حوادث– زن ۵۰ ساله که با چهره ای نگران و کوله باری از رنج و سختی پا به دایره مددکاری اجتماعی کلانتری سجاد گذاشته بود، در حالی که از تهدید به خودکشی دخترش وحشت داشت، درباره سرگذشت خود به مشاور و کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: ۳۰ سال قبل پای سفره عقد نشستم و با جوانی ازدواج کردم که به تازگی در یکی از ادارات دولتی استخدام شده بود. زندگی خوب و شیرینی داشتم تا این که سه سال بعد باردار شدم و دخترم سمیرا به دنیا آمد. او چهار ساله بود که دختر دیگرم پا به این دنیا گذاشت و لذت ها و شیرینی های زندگی ما با وجود حمیرا چند برابر شد. دخترانم استعداد خوبی داشتند و در تحصیل بسیار موفق بودند تا این که همسرم حدود ۱۷ سال قبل و برای ادامه خدمت به یکی از روستاهای خراسان شمالی رفت اما در این میان ارتباطی بین او و یکی از همکارانش به وجود آمد، به طوری که مدتی بعد این ارتباط صمیمانه به اختلاف کشید و آن دختر جوان از همسرم شکایت کرد. در نهایت همسرم ناچار شد با تن دادن به ازدواج با آن دختر به این ماجرا پایان بدهد .من هم برای حفظ آبرو و ترس از رسوایی خانوادگی مجبور شدم به این ازدواج رضایت بدهم که همین موضوع روزگارم را سیاه کرد و در حالی که هنوز دختر کوچکم به ۷ سالگی نرسیده بود، همسرم من و فرزندانم را رها کرد و به دنبال عشق خودش رفت. او همه اموال را به نام همسر دومش کرده بود و من و فرزندانم در یک آپارتمان زندگی می کردیم. در همین حال بود که من هم در آموزش و پرورش مشغول فعالیت شدم و از مضیقه مالی بیرون آمدم. سمیرا (دختر بزرگم) بدون توجه به این اوضاع و احوال ،افکارش را روی درس ومدرسه متمرکز کرد و در یکی از رشته های مهندسی وارد دانشگاه شد.

او پس از پایان تحصیلاتش به خارج از کشور رفت و هم اکنون نیز دختری بسیار موفق است اما حمیرا از نبود پدر ضربه روحی و عاطفی شدیدی خورد و به سختی دبیرستان را به پا یان رساند. او بعد از دو سال رنج و مشقت بالاخره در یکی از دانشگاه های غیرانتفاعی پذیرفته شد اما این ماجرا سرآغاز روزهای شومی بود که بر سرم سایه می انداخت. چند ماه بعد حمیرا به دختری گوشه گیر و منزوی تبدیل شد به گونه ای که تا دیر وقت بیدار بود و روزها نیز تا بعدازظهر می خوابید ،سپس با سر و وضعی آشفته از خانه بیرون می زد و زمانی به خانه بازمی گشت که به شدت پرخاشگری می کرد و حوصله صحبت با مرا نیز نداشت. او مدام با تلفن همراهش مشغول بود و هر روز بیشتر رفتارش تغییر می کرد. در این میان از دختر بزرگم خواستم تلفنی با خواهرش صحبت کند اما از آن چه می شنیدم وحشت زده شدم، دخترم می گفت حمیرا درگیر مواد مخدر صنعتی شده است. من هیچ چاره ای نداشتم جز آن که از خواهرم کمک بگیرم چون او رفاقتی صمیمانه با حمیرا داشت اما دخترم نه تنها ماجرای اعتیادش را پنهان کرد بلکه مدعی شد اگر بیشتر او را تحت نظر بگیریم، از خانه فرار می کند. در عین حال با کنکاش های بیشتر فهمیدم که او از طریق دوستان هم دانشکده ای اش با افرادی در تهران آشنا شده است که او را به بهانه غلبه بر امتحانات و «تمرکز» به مصرف مواد مخدر خطرناکی سوق داده اند که حالت توهم زایی دارد و فاجعه بارتر از هروئین است. تازه فهمیدم او از سه ماه قبل با برخی از همکلاسی هایش در حالی این گونه مخدرهای صنعتی را مصرف می کند که آرزو داشت پس از گرفتن مدرک تحصیلی کارشناسی و برای ادامه تحصیل نزد خواهرش برود اما حالا تا نیمه های شب در بیرون از منزل به سر می برد و زمانی هم که به خانه بازمی گردد، یارای سخن گفتن با او را ندارم. اکنون هم شنیده ام قرار است با یکی از دوستانش به شهر دیگری برود و مرا تهدید کرد که اگر مانع رفتنش بشوم دست به خودکشی می زند و ...

شایان ذکر است با دستور سرهنگ مجدی (رئیس کلانتری سجاد) بررسی های روان شناختی و کارشناسی مشاوران زبده کلانتری برای نجات این دختر جوان از مسیر تباهی آغاز شد.

دختر ۱۵ ساله ٦ مهمان را در دورهمی قتل عام کرد

گروه حوادث– چند جوان روسی که در اینترنت با هم آشنا شده بودند دقایقی پس از حضور در خانه میزبان برای برگزاری یک دورهمی دوستانه در کمال تعجب و مقابل چشم دیگران، توسط شخص برگزارکننده میهمانی به گلوله بسته شدند. یک دختر نوجوان ۱۵ ساله پس از قتل عام در یک میهمانی و مورد حمله واقع شدن توسط جوان میزبان، خود را به مردن زده و در حالی که در زیر اجساد خونی پنهان شده بود پیام‌هایی را در فضای مجازی منتشر می کند که همین پیام‌ها موجب نجات دادن او و دوستانش می‌شود. سه دختر به نام‌های ماریا ۱٦ ساله، ویکتوریا ۱۷ ساله و پولینا ۱۸ ساله، کسانی بودند که به یک میهمانی ٦ نفره توسط دوستان اینترنتی خود که سن و سال بالاتری نسبت به آنان داشتند دعوت شده بودند. به گفته ماریا، آن‌ها مورد هیچ گونه آزار و اذیتی از سوی دو مرد جوان دیگر قرار نگرفتند و قبل از توقف بازی رایانه‌ای نیز هیچ تهدیدی از سوی زاخاروف وجود نداشته، اما زاخاروف ۳٤ ساله که دیوانه بازی‌های رایانه‌ای و میزبان این میهمانی بود ناگهان با برداشتن اسلحه شکاری و گفتن جمله «بیایید بازی کنیم» میهمانانش را به گلوله می‌بندد. زاخاروف به سمت ماریا شلیک می کند، اما آنتون خود را سپر او کرده و به جای او تیر می‌خورد، قاتل پس از شلیک به پولینا و آن‌ها، با تصور اینکه هرسه کشته شده‌اند به سمت آشپزخانه رفته و ویکتوریا و دوست دیگر خود را نیز مورد هدف گلوله قرار می‌دهد. سه نفر از میهمانان بلافاصله کشته می‌شوند، اما ماریا و ویکتوریا غرق در خون دوستانشان خود را به مردن می‌زنند ماریا با ترسی که او را فرا گرفته بود در همان حالت به سختی تلفن همراه آنتون را برداشته و با ورود به شبکه‌های اجتماعی، این اتفاق را به دوستان خود اطلاع می‌دهد. او در حالی که کم‌کم هوشیاری خود را از دست داده است آدرس را نیز برای آنان ارسال کرده و با بیان اینکه قاتل مسلح است درخواست کمک می کند. ٤ ساعت بعد، نیروهای پلیس در حالی به داخل خانه راه یافتند که قاتل پیش از رسیدن آن‌ها خود را نیز با گلوله به قتل رسانده بود و دو دختر زنده مانده این حادثه حال وخیمی داشتند. به گفته سخنگوی پلیس روسیه، بررسی پرونده قتل عام توسط کمیته تحقیق روسیه برای رسیدگی به این اتفاق عجیب و وحشتناک آغاز شده است.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام
مفقودی
خدمات
خرید و فروش و ...

استخدام

به یک سرایدار متاهل به صورت تمام وقت جهت امور منزل نیازمندیم .
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۴۶

یک رستوران دریایی جهت تامین کادر پرسنلی به نیروهای زیر نیازمند است:
آشپز ایرانی – کمک آشپز – ظرفشور – تخته کار – خدماتی– کانتر کار خانم
تلفن تماس: ۰۹۳۴۷۶۸۲۹۲۳

یک کافه رستوران ایتالیایی جهت تکمیل کادر خود نیاز به نیرو های زیر دارد:
آشپز ایتالیایی کار – پیتزا زن – کمک آشپز فرنگی – تخته کار – باریستا – ظرفشور – خدماتی – گارسون خانم و آقا
تلفن تماس: ۰۹۳۴۷۶۸۲۹۲۳

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۳۹۱۰ ۴۴۴۲۴۹۹۹

آگهی استخدام

مجتمع مسکونی دامون کیش ایر، جهت تکمیل کادر خود از فرد واجد شرایط با سابقه کار اجرایی در مجتمع مسکونی دعوت به همکاری می نماید.
شرح شغل: مدیر اجرایی (بصورت تمام وقت)
شرایط احراز شغل:
. متأهل بودن . حداقل سن: ۳۵ سال
. حداقل مدرک تحصیلی: لیسانس
. دارای سابقه کار مرتبط در مدیریت مجتمع مسکونی یا مدیریت اجرایی
. دارای روابط عمومی مناسب
. آشنایی کافی با کامپیوتر، امور مالی و اداری
متقاضیان واجد شرایط می توانند تصاویر رزومه کاری و مدارک مرتبط خود را از طریق پیام رسان واتس آپ به شماره: ۰۹۳۷۳۵۵۶۶۷۶ ارسال نمایند

خدمات

رستوران سای دا
انواع غذاهای ایرانی و دریایی
با کادری مجرب و با سابقه
آماده عقد قرارداد با شرکت ها و مؤسسات
آدرس: کیش، بلوار خیام، خیابان باباطاهر TS44
شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۴۰۴۰۰

شرکت آریا اطلس کیش
اظهارنامه اشخاص حقیقی و حقوقی
حسابداری، حسابرسی، بیمه تأمین اجتماعی، خرید و فروش فصلی، مالیات بر ارزش افزوده، حقوق و دستمزد
آدرس: خیابان ساحل، بازار دیپلمات، طبقه اول تجاری، واحد ۱۰۹
شماره تماس: ۰۹۱۲۷۰۵۷۱۷۳ – ۰۷۶۴۴۴۶۱۱۵۱

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وب سایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۳۹۱۰ ۴۴۴۲۴۹۹۹

مفقودی

اصل سند خودروی النترا ۲۰۰۹ رنگ سفید به شماره پلاک ۳۱۷۹۹ شماره موتور ۰۲۳۳ شماره شاسی ۱۸۵۹ به نام اسحاق کرم شاهی مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ضدعفونی
اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی
تجاری،اداری، پروژه هاو ...
با مه پاش های سرد – فوری
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش